



چشم‌انداز  
جهانی بازار کار  
در سال ۲۰۲۳

بهمن ۱۴۰۱

مریم خزاعی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
معاونت بررسی‌های اقتصادی



در این گزارش با نگاهی به تحولات و اتفاقات سال‌های اخیر و تاثیرات آن‌ها بر بازار کار جهانی به همراه بررسی روند متغیرها و وضعیت شاخص‌های مهم از جمله رشد اشتغال، نسبت اشتغال، نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی بر حسب مناطق جغرافیایی و یا اقتصادی گوناگون، چشم‌اندازی برای این بازار طی دو سال آینده (۲۰۲۳-۲۴) بر اساس اطلاعات سازمان بین‌المللی کار، ارائه و به نکات مهم آن پرداخته شده است.

همچنین تلاش شده است در صورت امکان داده‌های متناظر برای بازار کار ایران نیز استفاده و در قیاس با جهان و یا سایر مناطق، قرار گیرند.

# بحران‌ها و بازار کار

طی سال ۲۰۲۲، چشم انداز جهانی بازار کار به طور قابل توجهی تضعیف شد. بروز تنش‌های ژئوپلیتیک، تهاجم روسیه به اوکراین، بهبود نابرابر اقتصادها از بحران همه‌گیری کووید و تنگناهای مداوم در زنجیره‌های تامین، شرایط را برای بروز مجدد دوره رکود تورمی (هم‌زمانی بروز تورم بالا و رشد پایین) و تکرار مجدد آن بعد از دهه ۱۹۷۰ را موجب شده‌اند. سیاست‌گذاران در مواجهه با تورم بالا در محیطی همراه با بهبود ناقص اشتغال، با یک بده-بستان چالش برانگیز روبرو هستند. اکثر کشورها هنوز به سطح اشتغال و ساعات کاری که در پایان سال ۲۰۱۹، قبل از شیوع بحران سلامت کووید-۱۹ مشاهده شده بود، بازنگشته‌اند. با این حال، مجموعه‌ای از شوک‌های عرضه، عمدتاً در بازارهای مواد غذایی و کالاهای اساسی، قیمت‌های تولیدکننده را افزایش داده و باعث افزایش تورم قیمت مصرف‌کننده نیز شده است که در نهایت بانک‌های مرکزی را بالاجبار به سمت سیاست انقباضی پولی سوق داده است. در غیاب افزایش متناظر درآمد شاغلان با تورم، بحران هزینه زندگی مستقیماً معیشت خانوارها را تهدید می‌کند که خطر کاهش تقاضای کل را نیز به دنبال دارد. انباشت بدهی بسیاری از کشورها نیز به دلیل مقابله با پیامدهای ناشی از همه‌گیری، افزایش یافته که تهدیدی برای بروز بحران بزرگ بدهی در جهان است.

در این شرایط چالش برانگیز، همچنان یافتن شغل مناسب در جهان با مشکل مواجه است که این موضوع باعث تضعیف عدالت اجتماعی نیز می‌شود. صدها میلیون نفر به شغل همراه با حقوق مکفی دسترسی ندارند. کسانی که شاغل هستند نیز اغلب مشمول حمایت‌های اجتماعی و حقوق اساسی کار نمی‌شوند. همچنین بخش قابل توجهی از نیروی کار غیررسمی هستند یا از حقوق مشابه سایر شاغلان رسمی در محل کار برخوردار نیستند. درآمدها به شدت نابرابر توزیع می‌شود، به طوری که بسیاری از نیروهای کار قادر به خروج خود از فقر نیستند. چشم‌انداز بازار کار نه تنها در سراسر جهان بلکه در داخل کشورها نیز بسیار نابرابر است. شکاف‌های جنسیتی در همه زمینه‌های دنیای کار وجود دارد و جوانان نیز با چالش‌های خاصی روبرو هستند.

# استمرار بحران‌ها



بحران‌های متعددی مانع رشد اشتغال می‌شوند، استمرار تأثیر کووید-۱۹، بحران‌های افزایش هزینه زندگی و تنش‌های ژئوپلیتیک به شدت بر چشم‌انداز بازار کار تأثیر می‌گذارند. شوک‌های عرضه و تقاضا باعث افزایش قیمت‌ها شده و منجر به بروز بالاترین نرخ تورم طی دهه‌های اخیر شده است. درگیری اوکراین و سایر درگیری‌های ژئوپلیتیکی، کمبود عرضه را تشدید کرده و عدم اطمینان را نیز افزایش داده است. بحران رشد هزینه‌های زندگی، قدرت خرید درآمد قابل تصرف خانوار را از بین می‌برد و تقاضای کل را کاهش می‌دهد. تشدید سیاست پولی انقباضی، شرایط تامین مالی را نه تنها در اقتصادهای پیشرفته بلکه از طریق سرریزها، اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه را نیز تحت فشار قرار داده است. در غیاب وجود هماهنگی مناسب میان سیاست‌های پولی و مالی، این خطر وجود دارد که اقتصادهای مسلط برنامه‌ای سیاستی را دنبال کنند که عمدتاً فقط به چالش‌های داخلی خودشان و بدون توجه به پتانسیل‌های بالقوه آثار آن بر سایر کشورهای جهان، پاسخ دهد.

فراتر از این چالش‌های کوتاه‌مدت، تغییرات ساختاری بلندمدت و فزاینده‌ای نیز در بازارهای کار جهان احساس می‌شود. به عنوان مثال، تغییرات اقلیمی به افزایش وقوع بلایای طبیعی و رویدادهای شدید آب و هوایی غیر قابل پیش‌بینی، از جمله سیل، خشکسالی، تخریب زمین، فرسایش خاک، موج گرما و بارندگی نیز کمک می‌کند. انطباق با این واقعیت‌های جدید، مستلزم اعمال ابتکارات بزرگ سازگاری، از جمله انجام سرمایه‌گذاری قابل توجه در حوزه زیرساخت در مناطق بسیار آسیب‌دیده است. با این حال، این اقدامات، فرصت‌هایی را نیز می‌تواند برای ایجاد اشتغال، به ویژه در برخی از فقیرترین مناطق جهان از جمله آفریقا فراهم کند.

در همین شرایط، پیری جمعیت نیز تقریباً در همه کشورهای پیشرفته و بسیاری از کشورهای در حال ظهور، سرعت گرفته و باعث کاهش عرضه نیروی کار شده که بعید است این مسئله از طریق نیروهای کار مهاجر از مبادی مناطق پویاتر از نظر جمعیتی، جبران شود. در عین حال، انتظارات خوش‌بینانه مربوط به پتانسیل حاصل از تغییرات تکنولوژیکی برای افزایش رشد بهره‌وری و رفع سختی کار، مخصوصاً در رابطه با ابزارهای دیجیتال جدید مانند هوش مصنوعی نیز، هنوز محقق نشده است. با این حال، هیچ تردیدی در ضرورت و نیاز به چنین نوآوری‌هایی برای رفع برخی کمبودهای آتی نیروی کار ناشی از تغییرات جمعیتی، وجود ندارد.

محیطی با عدم قطعیت بالا و مستمر در سطح جهانی پدیدار شده که سرمایه‌گذاری‌های کسب و کارها، به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط و دستمزدهای واقعی را کاهش داده و نیروی کار را به سمت مشاغل غیررسمی هدایت کرده است. پیشرفت‌هایی که طی دهه گذشته در زمینه کاهش فقر به دست آمده نیز تا حد زیادی متزلزل شده است. روند همگرایی در استانداردهای زندگی با کیفیت کار در سراسر جهان متوقف شده ضمن اینکه کاهش رشد بهره‌وری را دنبال داشته و غلبه بر مسئله یافتن شغل مناسب را نیز دشوارتر کرده است.

شکاف جهانی مشاغل در سال ۲۰۲۲ به ۴۷۳ میلیون نفر رسید که معادل نرخ شکاف شغلی ۱۲.۳ درصد است. شکاف جهانی شغل، معیار جدیدی از میزان نیاز برآورده نشده به اشتغال در جهان است که از مجموع ۲۰۵ میلیون نفر بیکار - معادل نرخ بیکاری ۵.۸ درصد - و ۲۶۸ میلیون نفر خارج از بازار کار تشکیل می‌شود. گروه اخیر اگرچه فاقد معیارهای بیکاری هستند و جزو بیکاران محسوب نمی‌شوند ولی به دلیل اینکه نیازهای آنها برای اشتغال برآورده نمی‌شود، از جمعیت فعال در جستجوی کار خارج شده‌اند.

این شکاف شغلی به ویژه برای زنان و برای اقتصادهای در حال توسعه زیاد است. اگرچه در اکثر مناطق جهان مردان و زنان تقریباً نرخ بیکاری مشابهی دارند ولی شکاف شغلی برای زنان ۱۵ درصد است، در حالی که این رقم برای مردان ۱۰.۵ درصد می‌باشد. مسئولیت‌های شخصی و خانوادگی (از جمله کار بدون مزد برای مراقبت)، دلسردی ناشی از فقدان فرصت‌های شغلی مناسب، و کمبود امکانات برای بازآموزی می‌تواند موجب شود تا بسیاری از افراد از جستجوی شغل منصرف شوند و یا در کوتاه مدت دسترسی آنها به کار محدود گردد. گروه کشورهای با درآمد پایین و با درآمد متوسط-پایین، نرخ شکاف شغلی بالا و بین ۱۳ تا ۲۰ درصد دارند در حالی که شکاف مزبور برای کشورهای با درآمد متوسط-بالا، حدود ۱۱ درصد و برای کشورهای پردرآمد، فقط ۸ درصد است.

# نابرابری بزرگ



در سال ۲۰۲۲، حدود ۲ میلیارد نفر دارای شغل غیررسمی بودند. اگرچه بروز اشتغال غیررسمی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹ به میزان ۵ درصد کاهش یافت ولی بهبود اشتغال در دوران بروز بحران سلامت کووید-۱۹ عمدتاً ناشی از اشتغال غیررسمی و افزایش اشتغال در این حوزه بود. مشاغل غیررسمی فاقد بسیاری از ویژگی‌های روابط رسمی شغلی که برای پیشبرد عدالت اجتماعی مهم است، می‌باشند. به عنوان مثال، شاغلان غیررسمی نسبت به هم‌تایان رسمی خود دسترسی بسیار کمتری به سیستم‌های حمایت اجتماعی دارند. به طور کلی، تنها ۴۷ درصد از مردم سراسر جهان به طور موثر تحت پوشش حداقل یک نوع بیمه یا حمایت اجتماعی هستند و به عبارتی دیگر بیش از ۴ میلیارد نفر از مردم جهان فاقد هرگونه حمایت اجتماعی می‌باشند.

حدود ۲۱۴ میلیون نفر شاغل یعنی حدود ۶.۴ درصد از کل شاغلان جهان، در فقر شدید (با درآمد کمتر از ۱.۹۰ دلار آمریکا در روز بر اساس برابری قدرت خرید) به سر می‌برند که این موضوع برای کشورهای کم درآمد شدیدتر و رو به افزایش است. کاهش معنادار تعداد افراد فقیر شاغل بدون نیل به پیشرفت قابل توجه در دستیابی به هدف توسعه پایدار (SDG۱؛ ریشه‌کنی فقر در همه اشکال آن) - غیرممکن خواهد بود. از آنجایی که درآمد اسمی نیروی کار نمی‌تواند با تورم هماهنگی داشته باشد، بحران هزینه زندگی باعث می‌شود افراد بیشتری در فقر مطلق یا نسبی (خط فقر ملی) قرار گیرند. این خطر به ویژه برای افرادی که در پایین‌ترین سطح شغلی قرار دارند نیز رو به افزایش است. توزیع درآمد در بازار کار بسیار نابرابر است به نحوی که؛ نیمی از شاغلان در سطح جهان تنها حدود ۸ درصد از کل درآمد شاغلان را کسب می‌کنند.

وضعیت زنان و جوانان در بازار کار به طور قابل توجهی بدتر است که این واقعیت نشان‌دهنده وجود نابرابری‌های بزرگ در بازار کار در بسیاری از کشورها است. در سطح جهانی، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در سال ۲۰۲۲ به ۴۷.۴ درصد رسید، در حالی که این میزان برای مردان ۷۲.۳ درصد بود. شکاف ۲۴.۹ واحد درصدی میان نرخ مشارکت زنان و مردان به این معناست که به ازای هر مرد غیرفعال اقتصادی، دو زن غیرفعال وجود دارد. گروه جوانان (۱۵ تا ۲۴ ساله) در تأمین شغل مناسب با مشکلات شدیدی روبرو هستند. نرخ بیکاری آنها سه برابر بزرگسالان (۲۵ سال یا بیشتر) است. به طور میانگین بیش از یک نفر از هر پنج نفر از جوانان در جهان - معادل ۲۳.۵ درصد - نه در حال تحصیل، نه در حال آموزش و نه شاغل (Not in Education, Employment, or Training-NEET) هستند.

# مشارکت اقتصادی

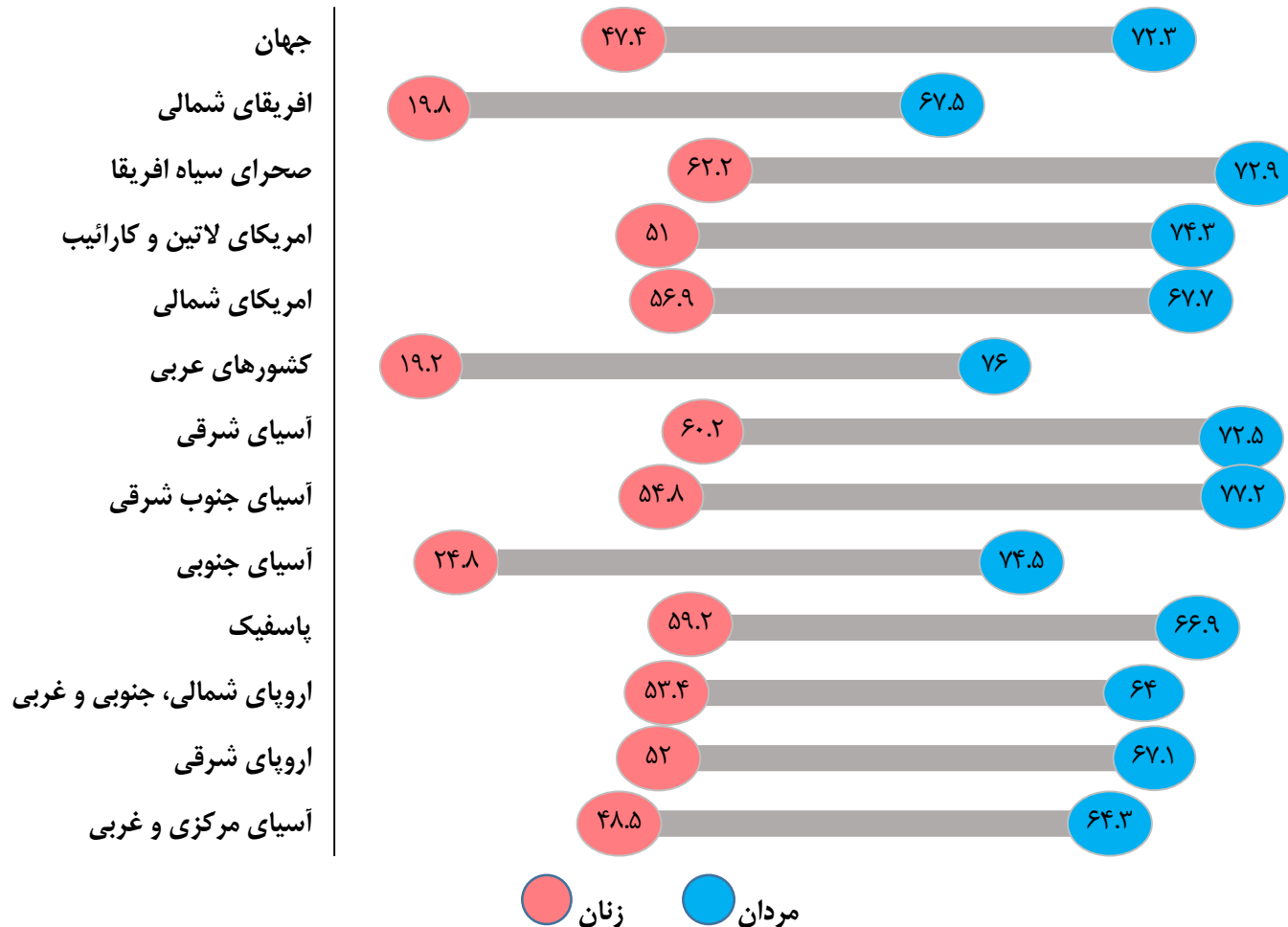
متوسط نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار در جهان در سال ۲۰۲۲ برای زنان ۴۷.۴ درصد و برای مردان ۷۲.۳ درصد است. نرخ مشارکت مردان در جهان تقریباً ۱.۵ برابر رقم مشابه برای زنان است. بالاترین نرخ مشارکت مردان در این سال متعلق به گروه اقتصادهای منطقه آسیای جنوب شرقی با رقم ۷۷.۲ درصد است که پس از آن منطقه امریکای لاتین و کارائیب با رقم ۷۴.۳ درصد قرار دارد و هر دو منطقه نرخ مشارکت اقتصادی بالاتر از میانگین جهانی در سال ۲۰۲۲ دارند.

بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی برای زنان با رقم ۶۲.۲ درصد متعلق به منطقه صحرای سیاه افریقا و پس از آن منطقه آسیای شرقی با رقم ۶۰.۲ درصد قرار دارد.

کمترین نرخ مشارکت اقتصادی برای زنان مربوط به کشورهای عربی و برابر با ۱۹.۲ درصد و بعد آن منطقه افریقای شمالی با ۱۹.۸ درصد است. بالاترین شکاف میان نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان در جهان مربوط به کشورهای عربی با تفاوت ۵۶.۸ واحد درصدی است.

در سال ۱۴۰۰ نرخ مشارکت اقتصادی در ایران برای زنان رقم بسیار کم ۱۳.۳ درصد و برای مردان حدود ۶۸.۷ درصد بوده که به معنی شکاف ۵۵.۴ واحد درصدی است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران حتی از نرخ ۱۹.۲ درصدی کشورهای عربی نیز کمتر است.

نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار در مناطق جهان به تفکیک جنسیت در سال ۲۰۲۲ - درصد



# جوانان منفعل NEET

سهم جوانان در گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله جهان در سال ۲۰۲۲ که نه شاغل، نه در حال تحصیل و نه در حال آموزش هستند - درصد

مردان	کل	زنان	
۱۵.۴	۲۳.۵	۳۲.۱	جهان
۱۷.۳	۲۸	۳۹	افریقای شمالی
۲۰.۱	۲۵.۷	۳۱.۴	صحرای سیاه افریقا
۱۳.۹	۲۰.۳	۲۶.۹	امریکای لاتین و کارائیب
۱۱	۱۱.۳	۱۱.۶	امریکای شمالی
۱۹.۵	۳۲.۹	۴۷.۲	کشورهای عربی
۱۳	۱۵.۶	۱۸.۵	آسیای شرقی
۱۴.۹	۱۸.۳	۲۱.۸	آسیای جنوب شرقی
۱۵.۳	۳۱.۷	۴۹.۵	آسیای جنوبی
۱۶	۱۷.۴	۱۹	پاسفیک
۹.۹	۹.۸	۹.۷	اروپای شمالی، جنوبی و غربی
۱۰.۵	۱۲.۴	۱۴.۳	اروپای شرقی
۱۶.۸	۲۲	۲۷.۵	آسیای مرکزی و غربی

رشد عرضه جهانی نیروی کار احتمالاً به کاهش خود ادامه خواهد داد، که به نوبه خود به کمبود قابل توجه نیروی کار در کشورهای پیشرفته دامن خواهد زد. بخشی از این کاهش قابل انتظار است، زیرا در طول دهه گذشته، هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای در حال ظهور، سطوح درآمدی فزاینده‌ای را تجربه کردند که اگرچه به بسیاری از شهروندان جوان اجازه داد تا زمان تحصیل خود را افزایش دهند اما با این وجود، بخش بزرگی از جوانان همچنان خارج از حوزه اشتغال، تحصیل یا آموزش (NEET) باقی مانده‌اند که این موضوع بر فرصت‌های بازار کار آینده آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت. در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۳.۵ درصد از جوانان در گروه NEET قرار داشتند که این میزان برای زنان به مراتب بیشتر بود. بیشترین رقم NEET متعلق به کشورهای عربی و منطقه آسیای جنوبی است. برای ایران آخرین رقم اعلام شده برای این گروه جوانان در سال ۱۳۹۹ برابر با ۲۹.۳ درصد است که از میانگین جهانی بالاتر ولی از متوسط رقم منطقه آسیای جنوبی کمتر است.

همچنان چالش مهم اقتصادها به ویژه اقتصادهای در حال توسعه، کاهش نرخ NEET با هدف بهره‌مند شدن از پتانسیل نهفته در خیل عظیم جوانان در پروفایل جمعیتی این کشورهاست. تا حدی پرکردن شکاف جهانی اشتغال از طریق افزایش دامنه شغل‌های با کیفیت می‌تواند فعالیت اقتصادی را رونق بخشد. البته در این رابطه اقتصادهای پیشرفته، با فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای گروه کارکنان مسن‌تر و حفظ ارتباط و وابستگی آنها به بازار کار، پیشرفت خوبی داشته‌اند و این‌ها تنها گروهی از کشورهایی است که در آن نرخ مشارکت نیروی کار در دهه گذشته به جای کاهش، افزایش یافته است.





# اقتصاد کلان و اشتغال



- تعامل میان عوامل اقتصاد کلان، روندهای بلندمدت و تنظیمات نهادی، متفاوت است و بر رشد اشتغال در گروه‌های درآمدی گوناگون، تأثیر متفاوتی می‌گذارد:
- اولاً، چشم انداز اقتصاد کلان برای کشورهای با درآمد بالا بدبینانه است، در حالی که بسیاری از کشورهای دیگر احتمالاً پس از کسب نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، شاهد عادی شدن رشد خواهند بود.
- ثانیاً، پوشش کم حمایت اجتماعی در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط-پایین به این معنی است که بسیاری از کارکنان با کاهش فعالیت اقتصادی مجبور به ورود به بخش اقتصاد غیررسمی خواهند شد. در مقابل، برخی از کشورها با اجرای طرح‌های موفق و آزموده‌شده حفظ اشتغال - که بیشتر آنها جزو اقتصادهای با درآمد بالا هستند - دوباره از نیروی کار استفاده و در نتیجه کاهش اشتغال را محدود خواهند کرد.
- ثالثاً، ممکن است بنگاه‌های اقتصادی در کشورهای پردرآمد به دلیل پیری و انقباض بازار کار با کمبود نیروی کار مواجه شوند که در این شرایط تا حد امکان تلاش خواهند کرد که نیروی کار موجود را حفظ کنند.
- رشد اشتغال در سال ۲۰۲۱ به علت بازگشایی بخش‌های کلیدی اقتصاد، قوی بود و در سال ۲۰۲۲ نیز شرایط بازار کار بهبود یافت و در این سال نسبت اشتغال به جمعیت از سطح پیش از بحران خود در مناطق اروپا و آسیای مرکزی فراتر رفت و بخش عمده‌ای از زیان‌ها در سایر مناطق را جبران کرد. زنان که به طور نامتناسبی تحت تأثیر کاهش اشتغال در سال ۲۰۲۰ قرار گرفته بودند، در سال ۲۰۲۲ رشد اشتغال قوی را تجربه کردند و نسبت اشتغال به جمعیت زنان به میزان ۰.۳ واحد درصد نسبت به سطح قبل از بحران بهبود یافت. با این حال، این بهبود قوی عمدتاً ناشی از رشد اشتغال غیررسمی بود؛ از هر پنج شغل ایجاد شده در سال ۲۰۲۲ برای زنان، چهارمورد غیررسمی بود، در حالی که برای گروه مردان دو شغل از هر سه شغل اضافه‌شده مربوط به بخش غیررسمی بود.

# رشد اشتغال

پیش‌بینی می‌شود که کل اشتغال جهان در سال ۲۰۲۳ به میزان ۱.۰ درصد افزایش یابد، که سرعت رشد مزبور کاهش قابل توجهی نسبت به نرخ رشد ۲.۳ درصدی در سال ۲۰۲۲ خواهد داشت. هیچ پیشرفت بارزی برای سال ۲۰۲۴ در حالی که انتظار می‌رود رشد اشتغال در این سال ۱.۱ درصد باشد، پیش‌بینی نشده است. چشم انداز اشتغال برای کشورهای با درآمد بالا، بدینانه است و رشد اشتغال در این گروه کشورها نزدیک به صفر خواهد بود. در مقابل، پیش‌بینی می‌شود که کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط-پایین شاهد رشد اشتغال بهتری در مقایسه با قبل از همه‌گیری باشند. در مجموع کاهش رشد اشتغال به این معنی است که به احتمال قوی شکاف اشتغال باز شده توسط بحران کووید-۱۹ در سطح جهانی، طی دو سال آینده، بسته نخواهد شد.

چشم انداز بازار کار از حیث مناطق جغرافیایی نیز برای سال ۲۰۲۳ متفاوت خواهد بود. انتظار می‌رود منطقه آفریقا و کشورهای عربی شاهد رشد اشتغال در حدود ۳ درصد یا بیشتر باشند. با این حال، با افزایش جمعیت در سن کار، هر دو منطقه مزبور احتمالاً شاهد کاهش اندک نرخ بیکاری خواهند بود (از ۷.۴ به ۷.۳ درصد در آفریقا و از ۸.۵ به ۸.۲ درصد در کشورهای عربی). پیش‌بینی می‌شود در مناطق آسیا و اقیانوسیه و در آمریکای لاتین و کارائیب، رشد اشتغال در سال ۲۰۲۳ حدود ۱ درصد باشد. در آمریکای شمالی، در سال ۲۰۲۳ هیچ افزایش شغلی وجود نخواهد داشت و بیکاری افزایش خواهد یافت. مناطق اروپا و آسیای مرکزی از پیامدهای اقتصادی درگیری اوکراین آسیب دیده‌اند لذا پیش‌بینی می‌شود که اشتغال این مناطق در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد، اما نرخ بیکاری با توجه به رشد محدود جمعیت در سن کار، فقط اندکی افزایش خواهد یافت.

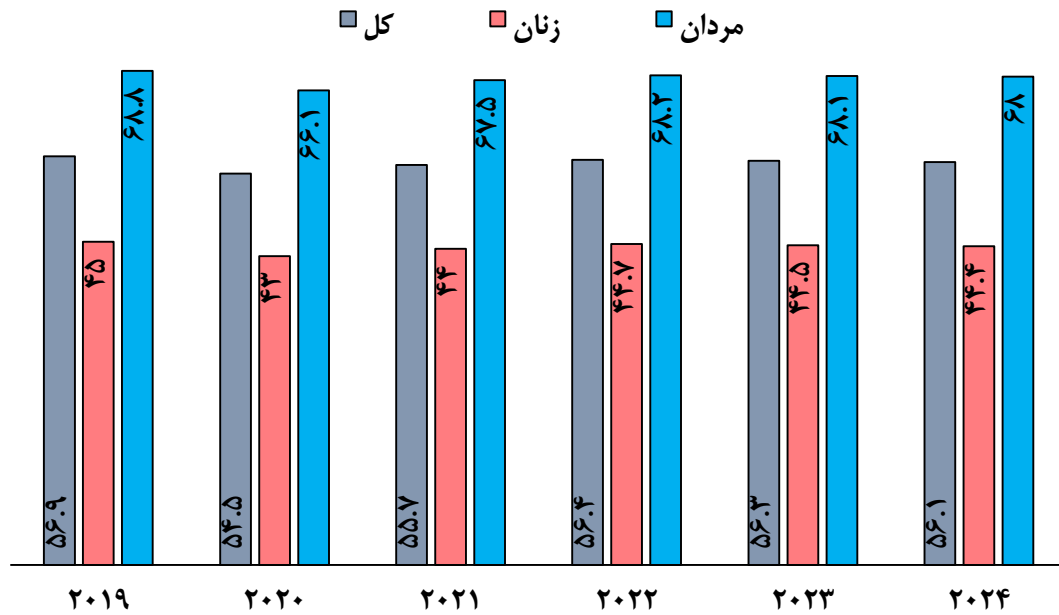
پیش‌بینی رشد سالانه اشتغال در جهان و مناطق درآمدی گوناگون اقتصادی ۲۰۱۰-۲۴ - درصد

	۲۰۱۰-۱۹	۲۰۲۰-۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴
جهان	۱.۱	۰.۲	۲.۳	۱	۱.۱
کشورهای کم درآمد	۲.۸	۲.۴	۳.۷	۳.۳	۳.۳
کشورهای با درآمد متوسط - پایین	۱.۶	۰.۴	۳	۱.۸	۱.۸
کشورهای با درآمد متوسط - بالا	۰.۵	۰	۱.۲	۰.۱	۰.۳
کشورهای با درآمد متوسط - بالا با استثنای چین	۱.۲	-۰.۶	۳.۳	۰.۷	۰.۸
کشورهای با درآمد بالا	۱.۱	-۰.۶	۲.۷	۰.۲	-۰.۱

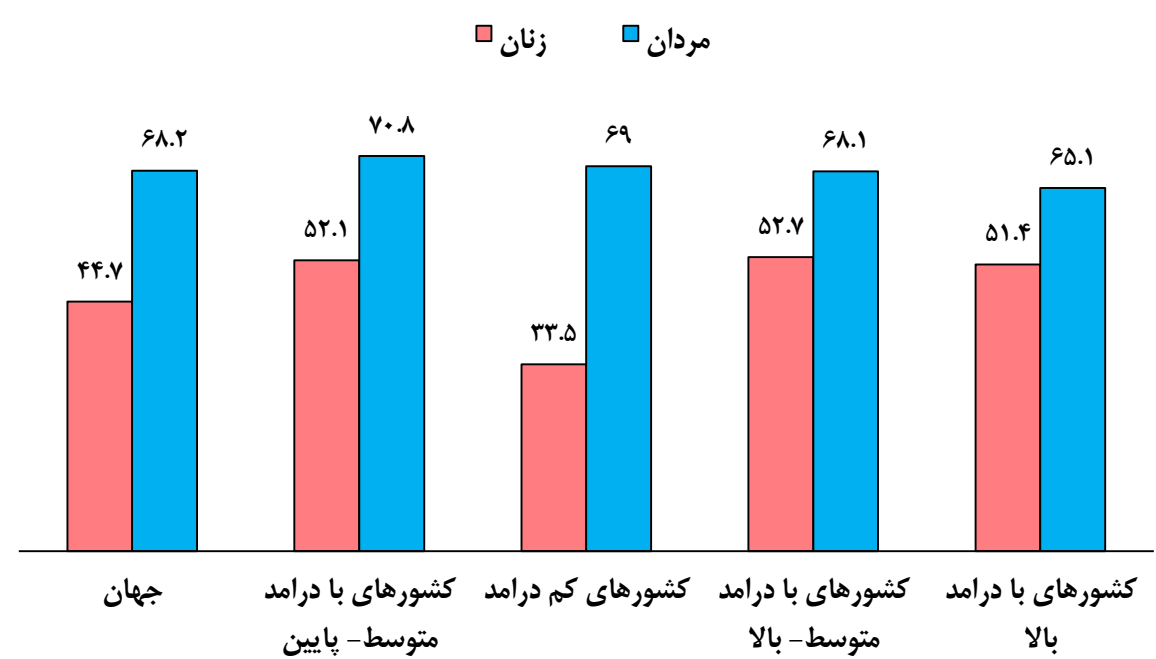




متوسط نسبت اشتغال به جمعیت جهان ۲۴-۲۰۱۹ درصد



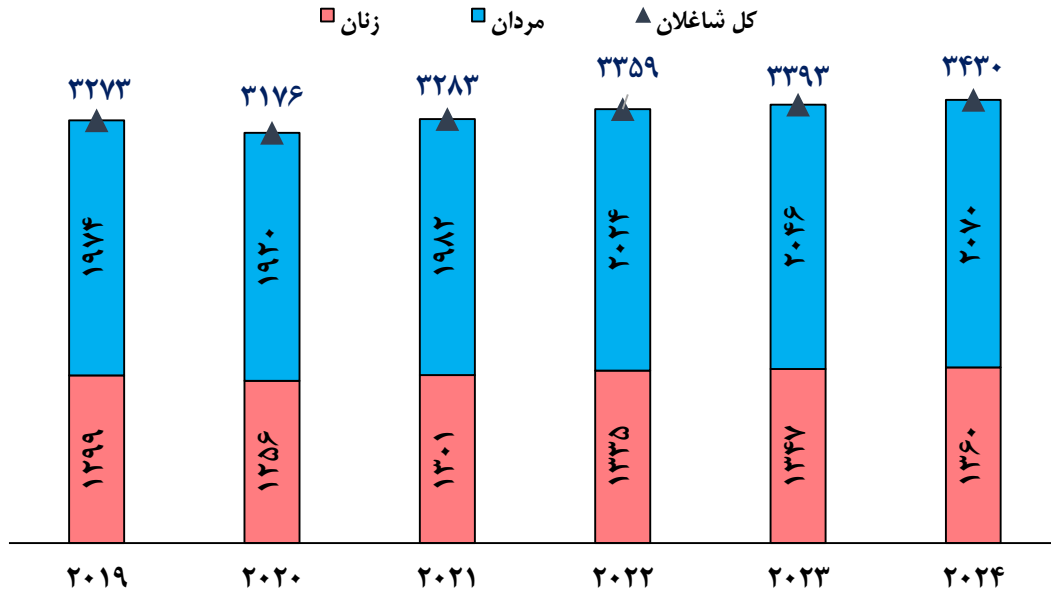
نسبت اشتغال به جمعیت در مناطق درآمدی جهان در سال ۲۰۲۲- درصد



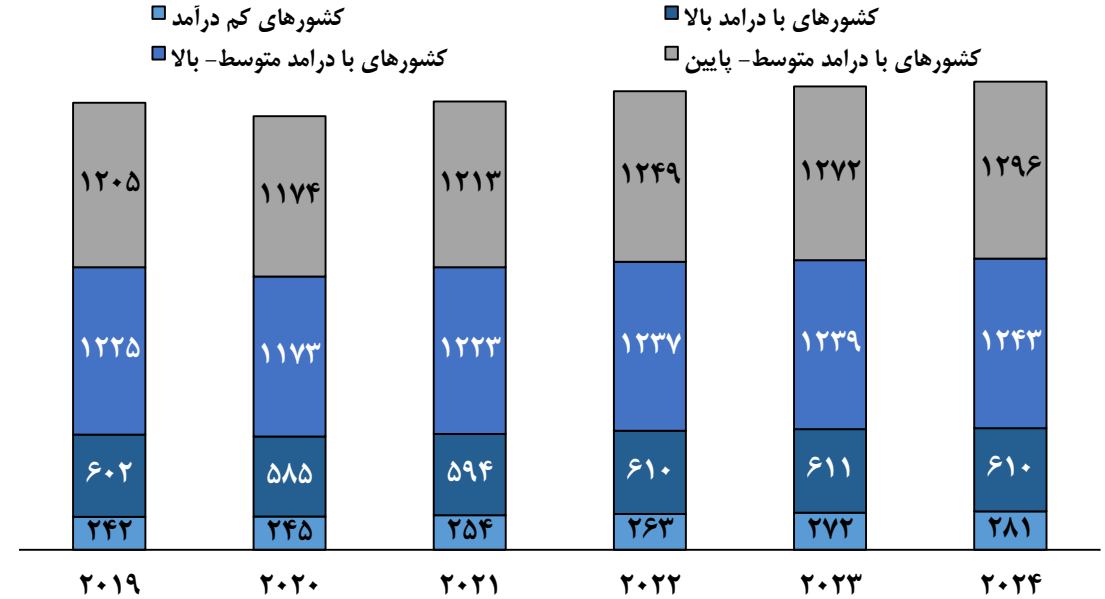
- رشد شدید اشتغال در سال ۲۰۲۲ موجب شد تا نسبت اشتغال به جمعیت جهان به ۵۶.۴ درصد افزایش و بهبود یابد که اگرچه بیشتر از رقم ۵۴.۵ درصد سال ۲۰۲۰ است اما همچنان تقریباً نیم واحد درصد کمتر از رقم مشابه سال ۲۰۱۹ است. انتظار می‌رود در سال ۲۰۲۳، نسبت مزبور کمی تضعیف شود و به ۵۶.۳ درصد برسد که میزان افت برای زنان بیشتر از مردان خواهد بود.
- متوسط نسبت اشتغال به جمعیت برای مردان در سال ۲۰۲۲ حدود ۶۸.۲ درصد و برای زنان رقمی کمتر و برابر با ۴۴.۷ درصد است. در میان مناطق درآمدی گوناگون، بهترین نسبت اشتغال به جمعیت برای زنان متعلق به کشورهای با درآمد متوسط بالا و برابر با ۵۲.۷ درصد و کمترین متعلق به اقتصادهای کم درآمد و با رقم ۳۳.۵ درصد است. نکته قابل توجه دیگر شکاف میان نسبت اشتغال به جمعیت زنان و مردان در گروه‌های گوناگون کشوری است که کمترین متعلق به کشورهای با درآمد بالا و حدود ۱۳.۷ واحد درصد است.
- در ایران نسبت اشتغال به جمعیت در سال ۱۴۰۰ برای کل برابر با ۳۷.۲ درصد، برای مردان برابر با ۶۳.۳ درصد و برای زنان رقمی بسیار کم و فقط ۱۱.۱ درصد بوده که حتی کمتر از گروه کشورهای کم درآمد است.

# تعداد شاغلان

تعداد شاغلان جهان - میلیون نفر



ترکیب تعداد شاغلان جهان در مناطق درآمدی گوناگون - میلیون نفر



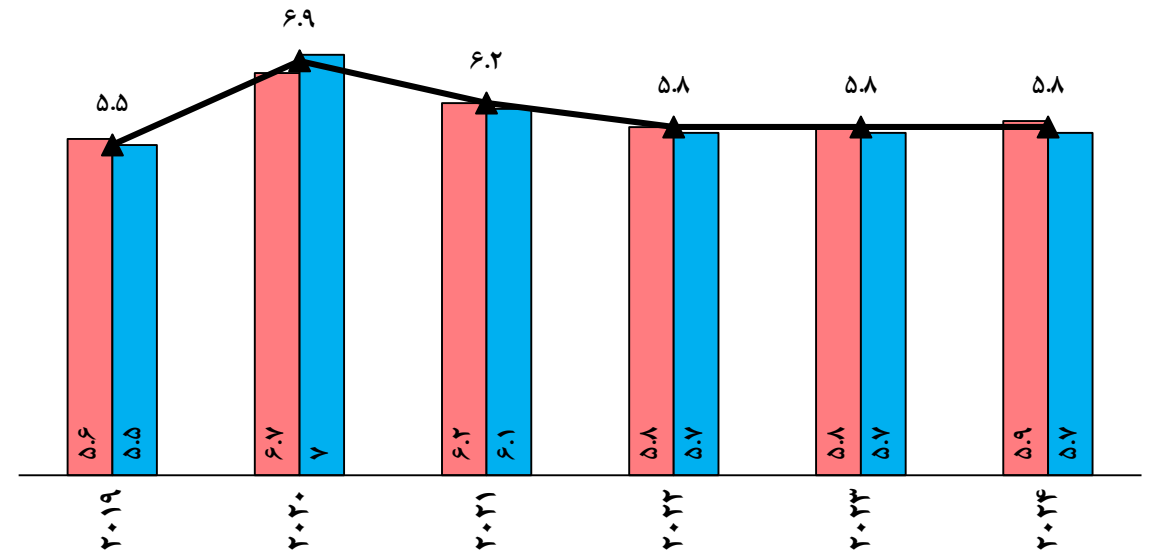
- جمعیت شاغل جهان در سال ۲۰۲۰ به دلیل بحران همه‌گیری کووید، افت کرد که بعد از آن با مهار نسبی بحران سلامت، طی سالهای ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ با افزایش همراه شد و به رقم تقریبی ۳.۳۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۲ رسید. در این سال ۶۰ درصد از جمعیت شاغلان جهان را مردان، و ۴۰ درصد مابقی را نیز زنان تشکیل داده‌اند و بیشترین تعداد شاغلان متعلق به گروه کشورهای با درآمد متوسط (بالا و پایین) با سهم ۷۴ درصدی است.
- انتظار می‌رود حدود ۳۳ میلیون نفر به تعداد شاغلان جهان در سال ۲۰۲۳ افزوده شود که ۱۲ میلیون نفر از افزایش مزبور را زنان، و مابقی را مردان تشکیل خواهد داد. از منظر مناطق درآمدی، پیش‌بینی می‌شود بخش عمده افزایش اشتغال در سال ۲۰۲۳ متعلق به گروه کشورهای با درآمد متوسط - پایین با رقم ۲۳ میلیون نفر باشد که بعد از آن کشورهای کم درآمد با ۹ میلیون نفر افزایش قرار می‌گیرند.
- طبق داده‌های مرکز آمار ایران، تعداد شاغلان ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۳.۴۵ میلیون نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۹۹، حدود ۱۸۴ هزار نفر معادل ۰.۷ درصد، افزایش داشته است. نکته جالب در رابطه با افزایش اشتغال مزبور این است که تنها عامل تامین رشد مزبور، افزایش تعداد شاغلان مرد با رقم حدود ۳۲۷ هزار نفر بوده که توانسته افت ۱۴۲ هزار نفری اشتغال زنان در این سال را نیز جبران کند و در واقع اشتغال زنان در این سال نه تنها رشدی نداشته بلکه ۳.۸ درصد افت داشته است. موضوع مهم دیگر در رابطه با ترکیب اشتغال در ایران، سهم ۸۵ درصدی مردان در برابر سهم کم ۱۵ درصدی زنان از تعداد شاغلان است که سهم زنان در ایران ۲۵ واحد درصد از میانگین جهانی، کمتر است.



# نرخ بیکاری

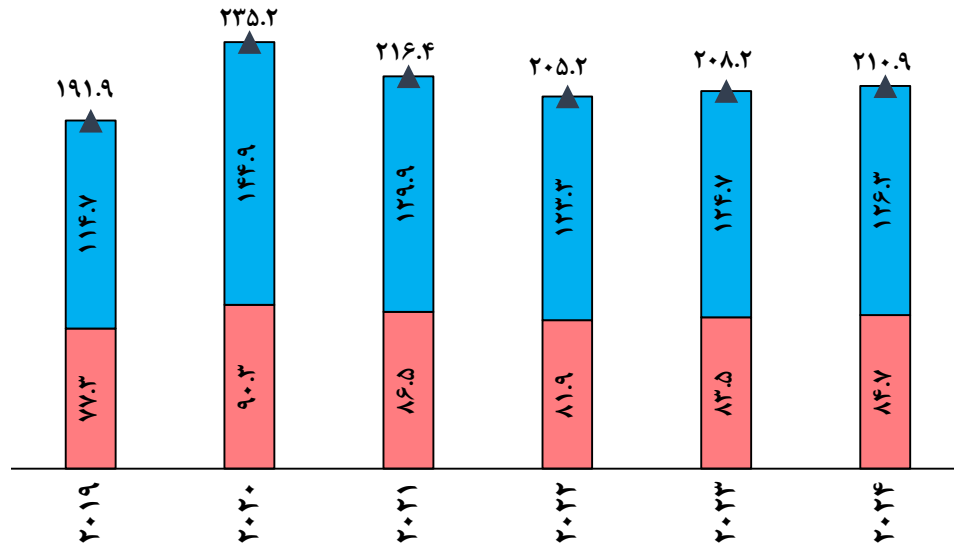
نرخ بیکاری جهان ۲۰۱۹-۲۴ درصد

کل ▲ مردان ■ زنان ■



تعداد بیکاران جهان ۲۰۱۹-۲۴ - میلیون نفر

کل ▲ مردان ■ زنان ■



- اگرچه تعداد بیکاران جهان در سال ۲۰۲۲ به میزان قابل توجهی کاهش یافت و از ۲۳۵ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ به ۲۰۵ میلیون نفر رسید، اما همچنان ۱۳ میلیون نفر بالاتر از سطح سال ۲۰۱۹ باقی مانده است. در سال ۲۰۲۲ تقریباً ۶۰ درصد از جمعیت بیکاران را مردان و ۴۰ درصد مابقی را زنان تشکیل داده است. در سال ۲۰۲۲، نرخ بیکاری تنها در قاره آمریکا و اروپا و آسیای مرکزی کمتر از سطح قبل از بحران بود. در این سال بیشترین تعداد بیکاران متعلق به کشورهای با درآمد متوسط (بالا و پایین) و کمترین تعداد بیکاران مربوط به کشورهای کم درآمد است.
- پیش‌بینی می‌شود که تعداد بیکاران جهان در سال ۲۰۲۳ اندکی افزایش یافته و به ۲۰۸ میلیون نفر برسد که معادل نرخ بیکاری ۵.۸ درصد است. با وجود چشم‌انداز منفی اقتصادی، انتظار می‌رود که بیکاری در سطح جهان رشد کمی داشته باشد زیرا احتمال دارد بخش بزرگی از شوک با کاهش سریع دستمزدهای واقعی با شتاب تورم جذب شود. نرخ بیکاری برای زنان و مردان در جهان تقریباً مشابه و به ترتیب ۵.۷ و ۵.۸ درصد است.
- تعداد بیکاران در ایران در سال ۱۴۰۰ حدود ۲.۳۷ میلیون نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۹۹ هزار نفر از این تعداد کاسته شده که بیشترین کاهش مربوط به تعداد بیکاران مرد (۹۰ هزار نفر) و مابقی مربوط به زنان بوده است. نرخ بیکاری ایران در سال ۱۴۰۰ نیز برابر با ۹.۲ درصد اعلام شده که برای مردان ۷.۹ درصد و برای زنان ۱۶ درصد، یعنی تقریباً دوبرابر رقم مشابه مردان است در حالی که میانگین جهانی، نرخ بیکاری تقریباً یکسان برای مردان و زنان را نشان می‌دهد.



# ساعات هفتگی کار

- کل ساعات کار هفتگی در سال ۲۰۲۲ بعد از تعدیل جمعیتی، نسبت به سطح خود در فصل انتهایی سال ۲۰۱۹ حدود ۱.۴ درصد کمتر بود.

- متوسط جهانی ساعات کاری در هفته در سال ۲۰۲۲ برای مردان ۴۴.۱ ساعت و برای زنان ۳۷.۳ ساعت بود. بیشترین ساعات کار در هفته برای مردان مربوط به منطقه آسیای جنوبی برابر با ۴۹.۷ ساعت و آسیای مرکزی و غربی با ۴۷.۹ ساعت است. کمترین ساعات کار در هفته برای مردان نیز متعلق به منطقه اروپای شرقی با ۳۶.۸ ساعت و اروپای شمالی، جنوبی و غربی با ۳۷.۲ ساعت است. بیشترین ساعات کاری هفتگی در جهان متعلق به منطقه آسیای شرقی است که حتی از متوسط ساعات کار هفتگی مردان در امریکای شمالی و اروپا نیز بالاتر است.

- پیش‌بینی می‌شود میانگین ساعات کار هفتگی به ازای هر نفر کارکن در سال ۲۰۲۳ در نتیجه رکود اقتصادی، اندکی کاهش یابد و در سطح کمی بالاتر از ۴۱ ساعت در هفته باقی بماند. این کاهش فعالیت، پتانسیل درآمدی کارکنان را محدود می‌کند و به احتمال زیاد فرصت‌های انتقال به مشاغل با کیفیت بهتر و پردرآمد را نیز کاهش می‌دهد.

- بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، متوسط ساعات کار هفتگی در ایران در سال ۱۴۰۰ برابر با ۴۳.۵ ساعت (۴۵.۳ ساعت برای مردان و ۳۳.۶ ساعت برای زنان) برآورد شده که نسبت به سال ۱۳۹۹ برابر با ۱.۳ ساعت در هفته افزایش داشته است.

متوسط ساعات کار هفتگی شاغلان جهان و مناطق گوناگون در سال ۲۰۲۲



تهدیدهای نزولی در سال ۲۰۲۳ قابل توجه است. «چند بحران» می‌توانند رشد اقتصادی جهانی را در سال ۲۰۲۳ به زیر ۲ درصد برساند و پیامدهای جدی برای ایجاد اشتغال داشته باشد. حتی بدون کاهش بیشتر رشد، امکان تشدید وخامت چشم انداز بازار کار برای مثال در صورتی که کسب‌وکارها به دلیل محدودیت‌های مالی نتوانند کارکنان خود را حفظ کنند، یا دولت‌ها خود را در بحران بدهی و ناتوانی در حمایت از بازار کار ببینند، وجود دارد. در کشورهای با سطح درآمد کم و متوسط، نابرابری و کاهش درآمدهای واقعی در مواجهه با افزایش قیمت‌ها می‌تواند تقاضا برای کالاها و خدمات تولید داخل را سرکوب کند و در نتیجه رشد اشتغال را به ویژه در بخش رسمی کاهش دهد.

علیرغم کندی رشد اشتغال، همچنان کمبود نیروی کار واجد شرایط در برخی کشورها و بخش‌ها، یک خطر است. افزایش عمده سرمایه‌گذاری در تحصیل و آموزش برای آشکارسازی پتانسیل کامل نیروی کار جهانی ضروری است. در شرایط فعلی، دو سوم نیروی کار جهان را جوانان فاقد مهارت‌های لازم تشکیل می‌دهد که همین امر فرصت‌های بازار کار را برای این گروه از نیروی کار محدود کرده و به سهولت آنها را به سمت مشاغل با کیفیت پایین سوق می‌دهد. در واقع، طی دهه گذشته گسترش مشارکت نیروی کار در اقتصادهای پیشرفته اغلب به قیمت کاهش تدریجی متوسط کیفیت آموزش اتفاق افتاده که در نهایت منجر به کاهش سرعت رشد بهره‌وری نیز شده است. در محیط کنونی اقتصاد جهان برای رفع چالش‌هایی ارتقای بهره‌وری و اشتغال، انجام ابتکاراتی گسترده در بازار کار با تمرکز بر اشتغال و ارتقای مهارت‌ها ضروری است.

فضای سیاست جهانی از هم گسیخته است. همه‌گیری ویروس کرونا چالش‌های ظرفیتی قابل توجهی را برای نهادهای سیاست‌گذار اصلی ایجاد کرده است. بانک‌های مرکزی در سراسر جهان با بده-بستان‌های دشواری بین حمایت بیشتر از بهبودی در دوران پسا کووید و پرداختن به تورم بالا مواجه هستند. اگرچه بسیاری از کشورها از نظر ساعات کاری هنوز به سطح قبل از همه‌گیری نرسیده و بهبود نیافته‌اند، ولی شوک‌های وارده به قیمت انرژی و مواد غذایی بر ضرورت عادی‌سازی سیاست‌ها و کاهش اقدامات اضطراری تاکید دارد. در طول همه‌گیری، دولت‌هایی که مقدار قابل توجهی بدهی را برای حمایت از مشاغل و خانوارها ایجاد کرده‌اند، اکنون تحت فشار هستند تا برخی از اقدامات حمایتی خود را حذف کنند.





کیفیت کار نیز تحت فشار است. فراتر از شکاف در اشتغال، کیفیت شغل نیز همچنان یک نگرانی کلیدی است. بدون دسترسی به حمایت اجتماعی، بسیاری از مردم به سادگی نمی‌توانند بدون شغل بمانند. آنها اغلب هر نوع کاری را با دستمزد بسیار کم و با ساعات نامناسب یا ناکافی می‌پذیرند. بنابراین کاهش پیش‌بینی‌شده احتمالاً کارکنان را مجبور به پذیرش مشاغل با کیفیت بدتر از آنچه در شرایط اقتصادی بهتر ممکن است داشته باشند، می‌کند. علاوه بر این، با افزایش سریع‌تر قیمت‌ها نسبت به دستمزدهای اسمی، کارکنان حتی زمانی که بتوانند شغل فعلی خود را حفظ کنند، به سرعت کاهش درآمد قابل‌تصرفی را تجربه خواهند کرد.

فقدان کار مطلوب و شایسته بسته به منطقه از نظر شکل و شدت متفاوت است. در کشورهای عربی، آفریقای شمالی و آسیای جنوبی، تفاوت‌های مربوط به جنسیت در شاخص‌های بازار کار، از جمله نرخ مشارکت نیروی کار، قابل توجه است. افزایش نرخ اشتغال غیررسمی در آمریکای لاتین و دریای کارائیب و کشورهای جنوب صحرای آفریقا، مانع از دسترسی نیروی کار به حمایت اجتماعی و حقوق اساسی در محل کار می‌شود. همه مناطق به نوعی از کسری کار و شغل مناسب رنج می‌برند. وخامت کنونی شرایط اقتصاد جهانی احتمالاً پیشرفت گذشته را معکوس، و این کسری‌ها را در جهات گوناگون تضعیف خواهد کرد.

تورم تأثیر زیادی بر توزیع درآمدهای واقعی دارد. بسیاری از کارکنان و بنگاه‌ها نمی‌توانند درآمد خود را متناسب با تورم افزایش دهند و از این رو متحمل زیان در درآمد واقعی می‌شوند. با این حال، برخی از کارکنان و بنگاه‌ها - برای مثال، آنهایی که در بخش انرژی فعالیت می‌کنند - افزایش درآمدهای بالاتر از نرخ تورم را تجربه می‌کنند که در نتیجه درآمد واقعی آنها را افزایش می‌دهد. کاهش درآمد واقعی به ویژه برای خانوارهای فقیرتر ویرانگر است و خطر سقوط به سمت فقر و ناامنی غذایی را تهدید می‌کند.



پیوندهای زنجیره تامین جهانی (Global Supply Chain-GSC) در حال انتشار به سوی کشورهای با درآمد پایین و متوسط همراه با کاهش رشد تقاضا در کشورهای با درآمد بالا است. بر اساس بررسی انجام شده با جامعه آماری متشکل از ۲۴ اقتصاد با سطح درآمد متوسط، حدود ۱۱.۳ درصد از مشاغل در این گروه کشورها - به استثنای مشاغل کشاورزی و خدمات غیربازار - به پیوندهای زنجیره تامین جهانی با اقتصادهای با درآمد بالا وابسته هستند. در برخی از اقتصادهای کوچک‌تر، این نسبت حتی بیش از ۲۰ درصد است. در کشورهای با درآمد متوسط، بخش‌هایی با ادغام بیشتر با GSCها تمایل به یکپارچگی بزرگتر، سهم بیشتر مشاغل مزد و حقوق بگیر، شیوع کمتر غیررسمی و نسبت کمتری از کارکنان کم دستمزد - و در نتیجه کیفیت شغلی بالاتر دارند. از آنجایی که کاهش تقاضا در کشورهای با درآمد بالا احتمالاً رشد اشتغال در کشورهای با درآمد متوسط را به سمت فعالیت‌هایی که به GSCها مرتبط نیستند تغییر می‌دهد، لذا ممکن است بدنبال این اتفاق کیفیت اشتغال نیز کاهش یابد.

سرعت نوآوری فناوری در اقتصاد دیجیتال بالا است، اما مزایای آن به طور گسترده به اشتراک گذاشته نمی‌شود. تمرکز صنعت به‌ویژه در اقتصاد دیجیتال رایج است، زیرا به دلیل نقش قابل توجه دارایی‌های نامشهود در مدل کسب و کار، رشد بهره‌وری بین شرکت‌های پیشرو متفاوت است. نوآوری‌های دیجیتال هنوز نتوانسته‌اند سرریزهای اقتصادی را در بهره‌وری ایجاد کنند که باعث افزایش شغل و رشد شود و این در حالی است که افزایش بهره‌وری متمرکز، توزیع مطلوب آن را منحرف کرده است. گرایش فرصت‌های شغلی با مهارت بالا به سمت چند صنعت مبتنی بر فناوری موجب شده تا هم نابرابری و هم کاهش بهره‌وری، تشدید شود. پیشرفت‌های فناوری هنوز به مرحله‌ای که منافع همگانی را برای جامعه به همراه داشته باشند از جمله در حوزه مدیریت تحرک یا مدیریت شبکه برای گذار به انرژی پایدار، نرسیده‌اند. به منظور تقویت توسعه فناوری در مناطق با بازده اجتماعی بالا، به ترکیبی از اعمال رویکردهای تنظیم استانداردها، تدارکات عمومی و همکاری برای افزایش بهره‌وری در میان نهادها و شرکای اجتماعی و همچنین نوآوری مقرراتی و سیاستی نیاز است.

# بهره‌وری نیروی کار



رشد بهره‌وری همچنان بسیار مهم است؛ کاهش بلندمدت رشد بهره‌وری در اقتصادهای پیشرفته به اقتصادهای مهم در حال ظهور نیز سرایت کرده است. این موضوع بسیار نگران کننده است، زیرا رشد بهره‌وری برای رسیدگی به بحران‌های متعدد امروزی در حوزه قدرت خرید، رفاه و پایداری زیست محیطی کلیدی است. برای مقابله با تهدیدات مربوط به عدم دسترسی به کار مطلوب و رفاه که موارد گوناگونی از جمله فقر گسترده، بازار کار غیررسمی، و فقدان محل کار ایمن و مطمئن را در بر می‌گیرد، به سرمایه‌گذاری، نوآوری و گسترش فناوری نیاز است. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در مهارت‌ها و توانایی‌های افراد به طور گسترده به عنوان یک عامل اصلی در رشد بهره‌وری نیروی کار شناخته می‌شود. علاوه بر این، اهداف اقلیمی توافق پاریس مستلزم تسریع نیل به پیشرفت فنی است تا اقتصادها را قادر به رشد، استفاده کارآمدتر از انرژی و سایر منابع طبیعی و کاهش قابل توجه میزان تولید گازهای گلخانه‌ای نماید. با این حال، متأسفانه طی دو دهه اخیر جهان شاهد کاهش تدریجی رشد بهره‌وری به ویژه در اقتصادهای پیشرفته و همچنین در اقتصادهای مهم در حال ظهور بوده است.

نه تنها طی سالهای اخیر رشد بهره‌وری کاهش یافته، بلکه منافع رشد مزبور نیز کمتر به طور مساوی تقسیم شده است. سهم نیروی کار از درآمد جهانی طی یک دهه و نیم قبل روندی کاهشی داشته است. دهه‌ها کاهش حداقل دستمزد (واقعی)، فرسایش نهادهای قوی بازار کار، و عدم احیای گفتگوهای اجتماعی در مقیاس بزرگ‌تر، مانع از مشارکت بیشتر و عادلانه‌تر نیروی کار در منافع رشد اقتصادی شده است. در این میان افزایش تمرکز صنعتی نیز در بخش‌های خاص به نابرابری دامن می‌زند و مانع از پویایی اقتصادی، به‌ویژه در میان بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌شود. تشدید نابرابری و کاهش رشد بهره‌وری، یکدیگر را تقویت می‌کنند، زیرا به دلیل تمرکزدهی منافع درآمندی حاصل، تحریک سرمایه‌گذاری تضعیف می‌شود. چشم‌انداز ضعیف بازار کار و افزایش اشتغال غیررسمی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مولد را بیشتر تضعیف کرده است. از سوی دیگر، با توجه به افزایش قابل توجه نااطمینانی در مورد مسیر آینده اقتصاد جهانی، گسترش اشتغال در میان کارکنان غیررسمی بسیار سریع است که به نوبه خود تأثیرات منفی بر سرمایه‌گذاری که روند نزولی بلندمدتی داشته است، خواهد گذاشت. نرخ پایین سرمایه‌گذاری با رشد کمتر دستمزد و کاهش انگیزه کارفرمایان برای سرمایه‌گذاری در زمینه به‌روزرسانی و ارتقای مهارت نیروی کار نیز پیوستگی دارد. با تضعیف نهادهای بازار کار، بسیاری از کشورها فاقد مکانیسم‌هایی برای محدود کردن یا جلوگیری از فرسایش بیشتر دستمزدهای واقعی و در نتیجه پشتیبانی از تقاضای کل و رشد اقتصادی متعادل و فراگیر هستند.

رشد بهره‌وری از تضعیف سرمایه‌گذاری آسیب دیده است که تا حدی از سطوح بالای عدم قطعیت و نااطمینانی اقتصادی نشات می‌گیرد. از زمان بحران مالی جهانی، عدم اطمینان اقتصادی فراگیر شده و با وجود سطح پایین نرخ بهره، مانع از سرمایه‌گذاری شده است. این کاهش سرعت سرمایه‌گذاری اغلب با تغییر سرمایه‌گذاری کسب و کار به سرمایه‌گذاری در املاک مسکونی همراه بوده که کمتر منجر به بهبود سریع بهره‌وری شده است. بخشی از دلایل بروز این اتفاق، نوسانات شرایط عمومی اقتصادی ناشی از بحران‌های اخیر بوده که باعث شده است کسب و کارها تمایلی به گسترش ظرفیت یا شروع سرمایه‌گذاری‌های جدید نداشته باشند. حرکت به سمت یک محیط اقتصادی کلان با ثبات‌تر احتمالاً می‌تواند به کاهش بخشی از شکاف سرمایه‌گذاری ناشی از بحران اخیر سلامت، کمک کند. اقدام قوی‌تر برای رسیدگی به نابرابری‌ها نیز به تحریک فعالیت سرمایه‌گذاری با افزایش گسترده‌تر درآمدهای قابل تصرف کمک می‌کند.

در حالی که بهبودی پس از همه‌گیری در بین کشورها نابرابر است، قرار گرفتن در معرض تنش‌های ژئوپلیتیکی و افزایش قیمت‌های ناشی از اختلالات عرضه نیز ناهموار است. کشورهای اروپایی با افزایش قابل توجه و ناگهانی هزینه‌های انرژی مواجه هستند که به رکود تورمی را در این گروه کشورها تقویت می‌کند. در میان کشورهای آفریقایی، افزایش قیمت مواد غذایی در مقایسه با تجارب سال‌های قبل، شدیدتر شده است. بسیاری از کشورهای جنوب صحرا در تولید مواد غذایی خودکفا نیستند و واردات مواد غذایی در این کشورها نیز از تنوع مطلوبی برخوردار نیست. در سرتاسر جهان، تضمین دسترسی به کالاها و خدمات اساسی با قیمت‌های مناسب به یک دغدغه ملی تبدیل شده است در حالی که گاهی اوقات به اثرات سرریز این چنین اقدامات در سطوح ملی بر اقتصاد بین‌المللی توجهی نمی‌شود.



# ابتکار و ائتلاف جهانی

در پاسخ به بحران‌های متعدد اقتصادی و ژئوپلیتیکی، همبستگی بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری حیاتی است. تعهد قوی به ابتکاراتی مانند شتاب‌دهنده جهانی سازمان ملل متحد در زمینه مشاغل و حمایت اجتماعی برای گذار عادلانه؛

(UN Global Accelerator on Jobs and Social Protection for Just Transitions)

و همچنین مشارکت نزدیک نهادها و شرکای اجتماعی در تمام زمینه‌های سیاست‌گذاری در سطوح ملی و بین‌المللی اقدامات کلیدی هستند که موجب تقویت انسجام سیاست‌ها و مشارکت‌ها برای مقابله با چالش‌های فعلی و پاسخ به روندهای بلند مدت آینده می‌شوند.

با توجه به کمبود و دشواری دسترسی به شغل مطلوب و نبود عدالت اجتماعی، یک قرارداد اجتماعی جدید جهانی برای افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادها و جوامع در مواجهه با بحران‌های متعدد امروزی مورد نیاز است. بیانیه سال ۲۰۱۹ سازمان بین‌المللی کار و فراخوان جهانی ۲۰۲۱ برای بازیابی انسان محور از بحران کووید-۱۹ که فراگیر، پایدار و انعطاف پذیر است عناصر اصلی چنین استراتژی را در سطوح ملی و بین‌المللی تشکیل می‌دهد.

به این منظور، سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۳ یک ائتلاف جهانی برای عدالت اجتماعی؛

(Global Coalition for Social Justice)

را با هدف تقویت همبستگی جهانی و بهبود انسجام سیاست‌ها به منظور سرمایه‌گذاری در کار شایسته و عدالت اجتماعی معرفی و ترویج کرده است. پیشرفت سریع در کاهش شکاف جهانی مشاغل، تقویت کیفیت مشاغل و حمایت از درآمد واقعی مستلزم هماهنگی مجدد سیاست‌ها و گفتگوهای اجتماعی است. قرارداد اجتماعی جهانی مطلوب همچنین نیازمند ادغام اهداف بلندمدت، مقابله با تهدیدات ناشی از تغییرات آب و هوایی و در عین حال رفع کسری‌ها در زمینه توسعه مهارت‌ها و استانداردهای زندگی با تاکید بر تامین بخشی از آن از طریق رشد سریع‌تر بهره‌وری، است. دولت‌ها و نهادهای اجتماعی می‌باید از این فرصت جهانی برای تعمیق همکاری خود در این راستا استفاده کنند.

